

# تنگناهای دیروز و امروز سیاست خارجی ایران

نوشته دکتر موشنگ طالع

چند ماه پیش، همزمان با جایجایی برخی مهره‌ها در اثر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، مدیریت وزارت امور خارجه نیز تغییر کرد. بسیاری را امید بر آن بود که مدیریت نوین، بتواند سیاست خارجی ایران را از «بن‌بست»، بیرون کند. البته بسیاری از آگاهان سیاسی معتقدند که مسأله‌ی سیاست خارجی

کشور، یک مسأله بنیادی است و نباید همه‌ی کاسه و کوزه‌ها را بر سر مدیریت وزارت خارجه، شکست. آنان معتقد بوده و هستند که هرگاه اصول سیاست خارجی کشور مورد تجدیدنظر بنیادین قرار نگیرد، این آمدن و رفتن‌ها، نمی‌تواند رهگشا و کار ساز باشد.

از همان روزهای اول انقلاب، اصول کلی سیاست خارجی کشور به جای این که بر پایه‌ی منطق و شناخت دقیق از موجودیت و کلیت ملت ایران، بایدهای ژئوپلتیک منطقه، اصول شناخته شده و عرف بین‌المللی قرار داده شود، براساس احساسات زودگذر و برداشت‌های شخصی، پایه‌ریزی شد.

بدین سان، سیاست خارجی کشور از همان آغاز به جای این که شاهرها را انتخاب کند، خود را به کوچه‌ی تنگ و بن‌بست کشاند. سالاهاست که سیاست خارجی کشور در حالی که پشت به خروجی کوچه بن‌بست ایستاده است، در میان درهای بسته، به دنبال مقرر می‌گردد. سیاست خارجی، ملهم از اصولی است که بتواند منافع و مصالح نسل حاضر را به بهترین وجه ممکن در جهان ملت‌ها حفظ کرده و در ضمن امکان حضور شایسته‌ی نسل‌های آینده را در جهان فردا، فراهم آورد. برای این کار، لازم است که تاریخ راستین ملتمان را بشناسیم،

حوزه‌های نفوذ سیاسی و فرهنگی ملتمان را بشناسیم، شاخه‌های تباری و وابستگان ملتمان را بشناسیم و با توجه به این شناخت، راه برد (استراتژی) سیاست خارجی کشور را در راستای حفظ منافع نسل حاضر و تضمین حضور شایسته‌ی نسل‌های آینده در جهان فردا، را ترسیم کنیم. باید توجه داشته باشیم که ملت ایران در زمره‌ی نادر کشورهای جهان است که همه‌ی

و تاریخی ملت ما باشد. این وابستگان عبارتند از:

**نخست مردمانی که به یکی از زبانهای ایرانی، سخن می‌گویند.**

عمده‌ترین مردمانی که به یکی از زبانهای ایرانی گفتگو می‌کنند، افزودن بر ایرانیان، عبارتند از: مردمان افغانستان، تاجیکستان، فارسی‌زبانان خوارزم و فرارود، کردها، بلوچ‌ها، پشتون‌ها و...<sup>(۱)</sup>

**دوم- مردمانی که در درازای روزگار با ما دارای تاریخ مشترک و سرزمینی مشترک بوده‌اند.**

برای شناخت این مردمان و این سرزمین‌ها که امروز با نام‌های گوناگون، دارای حکومت‌های مختلفی هستند، کافی است که نظری به قراردادهای عمده‌ی تجزیه‌ی ایران در قرن نوزدهم بیفکنیم. این قراردادها، عبارتند از:

- قرارداد گلستان (تجزیه‌ی سرزمین قفقاز و بخش‌هایی از ماورای قفقاز) ۲۰ مهر ماه ۱۱۹۲ خورشیدی برابر با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی.

- قرارداد ترکمان‌چای (تجزیه بخش‌های باقیمانده قفقاز) ۲۱ بهمن ماه ۱۲۰۶ خورشیدی برابر با ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ میلادی.

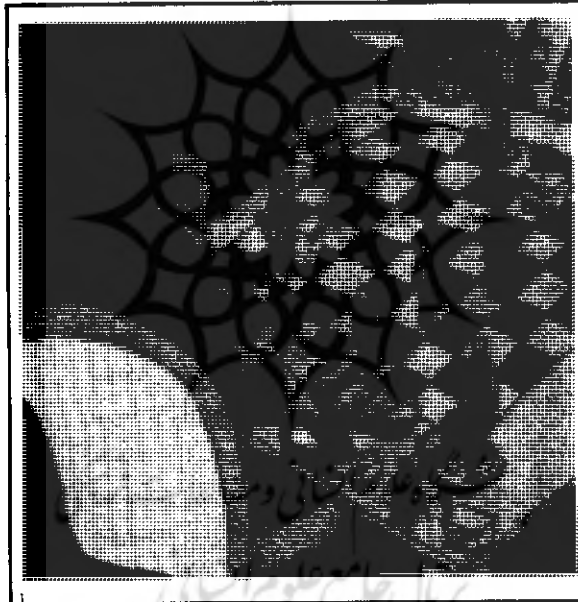
- قرارداد پاریس (تجزیه‌ی افغانستان) ۱۳ اسفند ماه ۱۲۳۵ خورشیدی (۴ مارس ۱۸۵۷ میلادی).

- قرارداد آخال (تجزیه‌ی سرزمین‌های خوارزم و فرارود) ۱۸ آذر ماه ۱۲۶۰ خورشیدی (۹ دسامبر ۱۸۸۸ میلادی).

البته در این میان، مسأله‌ی جدایی بحرین را نیز نباید از نظر دور داشت. گرچه آنچه که اتفاق افتاد از نظر قانون اساسی مشروطیت ایران (۱۳۷۵ - ۱۲۸۴)، دارای ارزش و اعتبار قانونی نیست.<sup>(۲)</sup>

موجودیت کمی و کیفی آن در قالب مرزهای دولتی کنونی نمی‌گنجد. از این رو، برای ترسیم خطوط اصلی سیاست خارجی ایران، نیازمند درک عمیق تاریخی، شناخت شاخه‌های تباری و فرهنگی ملت ایران و نیز آگاهی بر همبستگی‌های تاریخی و سرزمینی مردم ما با مردمانی است که در قالب واحدهای سیاسی دیگر، زندگی می‌کنند.

اولویت نخست سیاست خارجی ایران، برخلاف آنچه که گفته می‌شود، می‌بایست معطوف به وابستگان سرزمینی، تباری، فرهنگی



**سوم- وابستگان تباری (خونی)، ملت ایران** گرچه، مردمانی که در بندهای نخست و دوم از آنها یاد شد، دارای تبار مشترک با ما هستند، اما مردمانی نیز وجود دارند که در اثر سده‌ها و هزاره‌ها، چنان فاصله میان آنان و دیگر ایرانیان افتاده است که در نظر اول، شاید تشخیص وابستگی‌ها، زیاد آسان نباشد. برای مثال، وزارت خارجه دولت کرواسی یا «هروآسی» بدنبال جدایی از فدراسیون یوگسلاوی پیشین، طی اعلامیه‌ای که در روزنامه‌های ایران نیز منعکس شد، مردم سرزمین مزبور را «ایرانی الاصل» و از وابستگان نژادی ملت ایران اعلام کرد.

چنین است در مورد «شیرازی‌ها» که در بخش‌هایی از افریقا و به ویژه در زنگبار زندگی می‌کنند و خود را ایرانی تبار می‌دانند. از سوی دیگر باید بدانیم که بیشترین تعداد «اسماعیلیان» نیز ایرانی تبارند و هنوز نیز در هر کجای جهان که هستند، نوروز را بر پا می‌دارند. **چهارم- وابستگان فرهنگی ملت ایران** همه‌ی مردمانی که «نوروز» را بر پا می‌کنند، مردمانی که دارای آیین تشییع هستند، از وابستگان فرهنگی ملت ایرانند.

با توجه به آنچه که به صورت فشرده و کوتاه، بیان شد، موجودیت ملت ایران، بسیار فراتر از مرزهای دولتی کنونی است. از این رو، سیاست خارجی حکومتی که مدعی نمایندگی ملت ایران است، باید بر پایه توجه ژرف به اصول بالا، بنا گردد. این همان جاده‌ی هموار و شاهراهی است که در طریق آن می‌توان منافع و مصالح ملت ایران را با همه‌ی جامعیت و کلیت آن، تأمین کرد.

#### عملکرد رژیم پیشین

عدم توجه به سیاست ملی در زمینه‌ی مسایل خارجی، مربوط به امروز نیست. رژیم پیشین هم با وجودی که عنوان «شاهنشاهی ایران» را یدک می‌کشید فرسنگ‌ها از سیاست ملی، به ویژه در زمینه‌ی مسایل خارجی، به دور بود. در رژیم پیشین، هرگز این مساله را نشناختند که شاهنشاهی ایران، درون مایه‌ای جز

پیوند همه‌ی مردمان ایران تبار با همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین نمی‌تواند داشته باشد. از همین رو، در اثر عدم شناخت ملت ایران، با همه‌ی کلیت و جامعیت آن، درست در جهت عکس سیاست ملی در زمینه‌ی مسایل خارجی حرکت کردند. روشن‌ترین نماد چنین عدم آگاهی و در نتیجه زشتکاری در زمینه‌ی سیاست خارجی، عبارتند از قربانی کردن و وجه المصلحه قرار دادن، هم خانمانان و وابستگان تباری ملت ایران، یعنی «کردها» در مساله‌ی قرارداد ننگین الجزایر و تن در دادن به جدایی بحرین.

### اولویت نخست سیاست خارجی ایران می‌بایست معطوف به وابستگان سرزمینی، تباری، فرهنگی و تاریخی ملت ما باشد

رژیم پیشین، در قالب پیمان مرکزی (سنتو) با کشورهای ترکیه و پاکستان، هم پیمان بود<sup>(۳)</sup> از این رو، رژیم مزبور در همه‌ی مجامع بین‌المللی از ادعای دروغین ترکیه نسبت به بخشی از قبرس و نیز ادعای پاکستان نسبت به کشمیر، جانبداری می‌کرد. در حالی که هرگز در هیچ مورد از دو کشور مزبور خواسته نشد تا از ادعای به حق و تاریخی ملت ایران نسبت به بحرین، همگامی نشان دهند. حتی برخی منابع آگاه بر این عقیده‌اند که جنگنده‌های نیروی هوایی ایران با عوض کردن علائم و پرچم، پوشش هوایی لازم را برای نیروهای مهاجم ترکیه به قبرس، فراهم کردند.

در همان زمان، بسیاری از فرهیختگان، دانشجویان و مردم کوچه و بازار با قربانی کردن نهضت آزادی بخش کردستان آن سوی مرز، مخالف بودند و صدای اعتراض خود را نیز بلند کردند که البته شنیده نشد. در همان زمان

گروهی فریاد می‌زدند که «بحرین، بی‌ارزش‌تر از قبرس و کشمیر نیست. آن را به مام میهن بازگردانید.» اما گوش شنوایی نبود. در نتیجه سیاست خارجی کشور به جای اینکه سیاستی در جهت حفظ منافع و مصالح ملت ایران باشد، سیاستی بود در وادی گمراهی و تباهی.

پس از انقلاب، به جای پند گرفتن از گذشته و درک صحیح و درست از هویت و موجودیت ملت ایران (با همه‌ی کلیت تاریخی، تباری، فرهنگی و جغرافیایی آن)، عرب‌گرایی، سیاست خارجی ایران را به تنگنا کشید. این تنگنا هنوز هم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، پا برجاست.

البته هیچ انسان آگاهی معتقد به ایجاد تنش در سیاست خارجی نیست. از اصول غیرقابل انصراف هر سیاست خارجی موفق، «تنش‌زدایی» و ایجاد رابطه با همه‌ی کشورهای جهان بر پایه‌ی احترام متقابل و پذیرش متقابل است.

اما، حتی جنگ عراق علیه ایران که از حمایت آشکار و نهان همه‌ی کشورهای عربی، برخوردار بود، نتوانست تغییری در مواضع وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایجاد کند و سبب شود بند لازم را از گذشته بگیرد. درست است که حکام سوریه بدلائل گوناگون و از همه مهم‌تر رقابت‌های سیاسی و ترس کشور مزبور از تهاجم نظامی عراق، در قبال دریافت‌های کلان در جنگ عراق علیه ایران، موضع بی‌طرف اتخاذ کرد. اما، حکومت مزبور، در دوران جنگ و پس از آن همیشه از ادعای دروغین امارات متحده عربی علیه تمامیت ارضی ایران، پشتیبانی کرده است. در حالی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا می‌کند که اتحاد ما با سوریه یک اتحاد «استراتژیک» است، دولت مزبور قطعنامه‌های شورای همکاری خلیج فارس در مورد ادعای مالکیت شیخ‌نشین شارجه را بر جزیره‌های ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک مورد تأیید قرار می‌دهد. حتی در کنفرانس‌های ۲ + ۶ (اعضای شش‌گانه شورای همکاری خلیج فارس به اضافه سوریه و مصر)، کشور مزبور از امضاء کنندگان قطعنامه‌های کنفرانس در پشتیبانی از ادعاهای دروغین شیخ‌نشین‌های شارجه بر

جالب این جاست که با وجود همه‌ی سیاهکاری‌ها که در زمینه‌های گوناگون از سوی کشورهای عرب به ملت ما روا شده است، جندی پیش آقای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در فرودگاه دمشق اعلام کرد: «تقویت روابط با کشورهای اسلامی و عربی، اولویت سیاست خارجی ایران است.»<sup>(۵)</sup>

این در حالی است که روابط جمهوری اسلامی با سرزمین‌هایی که با ما پیوندهای تاریخی، تباری، فرهنگی و جغرافیایی دارند، در نامناسب‌ترین شرایط قرار دارد. نگاهی کوتاه به روابط جمهوری اسلامی با چهار گروه از کشورها و مردمانی که در آغاز سخن بدان اشارت رفت، تنگناهای موجود را آشکارتر می‌کند.

- روابط با جمهوری آذربایجان (اران). سرزمینی که همیشه با دیگر بخش‌های ایران دارای یگانگی سرزمینی بوده و پدران «من» و «ما» در آنجا بزیر خاک آرمیده‌اند، در بدترین شکل ممکن است. حکام باکو، یعنی کهنه بلشویک‌ها که حالا طعم داشتن پول و ثروت‌های باد آورده را نیز چشیده‌اند، کوشش می‌کنند تا با جعل بیشتر مسایل تاریخی و ایجاد تنش، نگذارند که مردم اران، با واقعیت‌های تاریخی آشنا شده و متوجه شوند که در درازای تاریخ همیشه با مردم ایران در کنار یکدیگر بوده و دارای سرنوشت مشترک و تاریخ مشترک بوده و هستند. اما، از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، نه تنها تاکنون گام مؤثری در راه بر طرف کردن این سوء تفاهات و آشکار کردن حقایق تاریخی برداشته نشده است، بلکه با پیش گرفتن سیاست‌های نادرست، بر ژرفای این گودال افزوده شده و در حقیقت آب به آسیاب حکام بادکوبه ریخته شده است. - مسایلی که به دنبال اعلام استقلال جمهوری تاجیکستان در سال ۱۳۲۱ خورشیدی، منجر به ناآرامی‌ها و سرانجام کشتارهای عظیم در کشور مزبور شد، بدون تردید بخشی از آن مربوط به سوء سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است. در حالی که مردم تاجیکستان پس از استقلال خود را بخشی از موجودیت «ایران بزرگ» و یا به بیان دیگر، یک «ایران کوچک» می‌دانستند، اشتباهات سیاست خارجی جمهوری اسلامی باعث شد که

با وجود اعلام آشتی ملی در کشور مزبور، آرامش به این زودی‌ها به تاجیکستان باز نگردد.

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارای چنان عملکردی نیست که بتواند از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در پرجمعیت‌ترین جمهوری آسیای میانه، یعنی زبان غالب مردم ازبکستان، دفاع کند. شهرهای سمرقند و بخارا، یعنی مهد زبان فارسی و زادگاه بخشی از فرهنگ و ادب ایرانی، بدون شک دارای ارزش کمتری از کرانه غربی رود اردن، نیست. دفاع از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در این سرزمین‌ها از پرداختن به مسائلی مانند بوسنی و هرزگوین، حیاتی‌تر است. اما، متأسفانه چنین نیست. دیر نباشد که خدای ناکرده، زبان فارسی را از آن پهنه نیز برانند و بخشی از موجودیت فرهنگ ملت ما را به فراموشخانه تاریخ، بسپارند.

- عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، یعنی مهد دوم زبان فارسی، غم‌انگیزتر است. بخشی از آنچه امروز در افغانستان می‌گذرد، بدون تردید ناشی از عملکرد نادرست سیاست خارجی ماست. تضعیف دولت برهان‌الدین ربانی، و تضعیف موقعیت احمد شاه مسعود، تنها برای گرفتن امتیازهای افزون‌تر برای شیعیان کشور مزبور انجام شد و از عللی بود که کار را به اینجا کشاند. آیا در آن روزهایی که گروه‌هایی از هم‌خانمانان افغانستانی در شهرهای تهران و مشهد و... به خیابان‌ها آورده می‌شدند تا شعار «مرگ بر روپناه پنجشیر» و محکوم کردن دولت برهان‌الدین ربانی سردهند، هرگز اندیشیده

بودند که اگر افغانستان تجزیه شود، چه فاجعه‌ی بزرگی برای ایران خواهد بود. شاید فاجعه‌ی تجزیه افغانستان، از فاجعه جدایی افغانستان از ایران در سال ۱۲۳۵ خورشیدی (۱۸۵۷ میلادی)، سنگین‌تر و زیان‌بارتر خواهد بود.

- به جای کوشش در یکپارچگی، هم‌آوایی و هم‌گامی میان هم‌خانمانان

کرد در آن سوی مرزها، با حمایت از یک گروه علیه گروه دیگر، راه را برای تجاوز حکومت شکست خورده بغداد بر مناطق کرد نشین، هموار شد. این عمل بهانه‌ی لازم را برای تجاوز گسترده و پیاپی حکومت خودکامه‌ی ترکیه هم فراهم کرد.

کردها، چه در عراق، چه در ترکیه و سوریه، عناصر خارجی محسوب می‌شوند. در حالی که همه‌ی آنان با مردم ایران، هم‌خانمان و هم‌تباراند. هر حکومت حاکم بر ایران، موظف به دفاع از آنان است. برای آگاهی بیشتر به ژرفای این پیوند، همیشه گفته‌ی شادروان قاضی محمد و ملا مصطفی باززانی را به خاطر داشته باشیم. قاضی محمد: هر کجا کرد هست، آنجا ایران است و هر کرد، یک ایرانی است. ملا مصطفی باززانی: هر کجا کرد زندگی می‌کند، آنجا ایران است.

- ۱- برای آشنایی بیشتر با زبان‌های ایرانی، مراجعه فرمایید به مجله گزارش شماره ۷۲ با عنوان «فرهنگستان و یگانگی‌های زبانی و فرهنگی» نوشته‌ی ویدا صامری
  - ۲- مراجعه کنید به کتاب‌های تاریخ و اسناد وزارت خارجه. هم چنین مجله گزارش شماره ۷۸ اسرداد ماه ۱۳۷۶. مسئولیت فرهیختگان در زنده نگه داشتن نکته‌های مهم تاریخ
  - ۳- پیمان مرکزی با پیمان سنتو Central treaty organisation، در آغاز دارای چهار عضو بود. حکومت عراق دوران حکمفرمایی عبدالکریم قاسم، از پیمان مزبور خارج شد.
  - ۴- اعضای شورای همکاری خلیج فارس عبارتند از: عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و عمان
- ش نقل از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های یکشنبه نهم فروردین ماه ۱۳۷۷



## بھی ترابر

شرکت حمل و نقل بین‌المللی

(با مسئولیت محدود)

**نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین ولیعصر و حافظ، شماره ۱۶۵، طبقه ۲، شماره ۷**

**تلفن: ۶۴۰۷۱۳۸ - ۶۴۹۳۴۶۵ فاکس: ۶۴۰۶۶۷۸**